

۲ معیارهای خوانش شعر

۱ متن و انواع آن (شعر و نثر)

۳ معیارهای خوانش نثر

آزمون تشخیصی مفاهیم کلیدی

مفاهیم یادشده

۱ «متن» به چه چیز گفته می‌شود؟

۲ با توجه به شعر زیر، به پرسش‌های خواسته‌شده پاسخ مناسب دهید.

«مرا بسود و فرو ریخت هر چه دندان بود
سپید سیم زده بود و دُر و مرجان بود
یکی نماند کنون زان همه، بسود و بریخت
نه نحس کیوان بود و نه روزگار دراز
نبود دندان، لا بل چراغ تابان بود
ستاره سحری بود و قطره باران بود
چه نحس بود! همانا که نحس کیوان بود
چه بود؟ منت بگویم: قضای یزدان بود»

الف) دو ویژگی ادبی شعر را بنویسید.

ب) قلمرو فکری این شعر را بررسی کنید.

پ) کدام ویژگی زبانی در شعر دیده می‌شود؟

۳۸ با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

«تا توانی از نیکی کردن میاسا و خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی به خلاف نموده باش. تا گندم‌نمای جو فروش نباشی و اندر همه کاری داد از خویشتن بده، اگر غم و شادیت بود به آن کس گوی که تیمار غم و شادی تو دارد.»

الف) یک ضرب‌المثل در متن بیابید.

پ) یک واژه کهن در متن پیدا کنید.

۳۹ حکایت زیر را بخوانید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

«پارسا زاده‌ای را نعمت بی‌کران به دست افتاد، فسق و فجور آغاز کرد، باری به نصیحتش گفتم: ای فرزند، دخل آب روان است و عیش آسیاب گردان.

چو دخلت نیست خرج آهسته‌تر کن
اگر یاران به کوهستان نبارد
که می‌گویند ملاحان سرودی
به سالی دجله گردد خشک‌رودی»

الف) دو ویژگی ادبی در متن بیابید.

ب) دو ویژگی زبانی در متن مشخص سازید.

پ) از نظر ویژگی فکری متن را بررسی کنید.

پاسخ

[۱] متن به هر چیزی گفته می‌شود که ذهن ما را به پویایی درآورد.

[۲] الف) ۱- قالب آن قصیده است، ۲- از آرایه‌های ادبی در حد اعتدال استفاده شده است، ۳- قافیه و ردیف ساده است، ۴- در توصیفات بیشتر از تشبیه حسی بهره گرفته شده است، ب) محتوای پندآموز و اندرزگونه - سادگی فکر و کلام - واقع‌گرایی - توجه شاعر به قضا و قدر، پ) سادگی زبان شعر - به کارگیری واژگان عربی ساده - به کارگیری کلمات کهنه و مهجور مانند «بسود» - افزودن «ب» بر سرفعل ماضی

[۳] الف) گندم‌نمای جو فروش نباشی، ب) غم و شادی، پ) تیمار، ت) عدالت و انصاف

[۳] الف) قالب شعر قطعه است که در آن مصراع‌های زوج هم‌قافیه‌اند. - استفاده از تمثیل در شعر - تضاد: دخل و خرج - تشبیه: دخل آب روان است و عیش آسیاب گردان، ب) سادگی زبان - استفاده از واژگان عربی مانند «فسق، فجور، دخل و ملاح» - به کار بردن ترکیب وصفی مقلوب «خشک‌رود، رود خشک»، پ) متن در ردیف ادبیات تعلیمی قرار می‌گیرد و در قالب بند و اندرز، پرهیز از اسراف و قناعت‌پیشگی را به افراد توصیه می‌کند.



۱- متن و انواع آن (شعرونثر)

متن عبارت است از هر چیزی که ذهن ما را به **یوایی** درآورد.

منظور از «متن» فقط نوشته‌های روی کاغذ نیست؛ بلکه متن‌ها ممکن است شنیداری، دیداری و ... باشند؛ به این معنا که هر صدایی که می‌شنویم، هر بویی که حس می‌کنیم، هر رویدادی که می‌بینیم، هر مزه‌ای که می‌چشیم، هر چیزی که لمس می‌کنیم و ... همگی متن به شمار می‌رود.

توجه در این کتاب مقصود ما از متن، آثار شعرو نثر فارسی است.

یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها این است که متن از سه دیدگاه بررسی شود: ۱) قلمرو زبانی، ۲) قلمرو ادبی، ۳) قلمرو فکری

● قلمرو زبانی

هدف این قلمرو عبارت است از بررسی زبان یا ویژگی‌های **زبانی** اثر؛ زیرا هراتر مکتوب، زبان ویژه خود را دارد؛ همچنان که برخی آثار، ساده و همه‌فهم هستند و برخی دیگر، به دلیل وجود لغات و اصطلاحات خاص، نیاز به تدبیر و تأمل بیشتری دارند.

قلمرو زبانی در دو سطح بررسی می‌شود:

الف) سطح واژگانی: در اینجا، واژه‌ها از نظر **فارسی یا غیرفارسی بودن**، **روابط معنایی** (از قبیل مترادف، تضاد، تضمن و تناسب) **نوع گزینش** و همچنین **درست‌نویسی** بررسی می‌شوند.

ب) سطح دستوری یا نحوی: در اینجا، متن از دید **ترکیبات و قواعد دستوری**، **کاربردهای تاریخی و کوتاهی و بلندی جمله‌ها** بررسی می‌شود، برای نمونه، ابیات زیر را از نظر قلمرو زبانی بررسی می‌کنیم:

● همی‌رفت پیش اندرون مرد گرد	● سپاهی بر او انجمن شد نه خرد (فردوسی)
● بدانست خود کافریدون کجاست	● سر اندر کشید و همی‌رفت راست (فردوسی)
● میر ماه است و بخارا آسمان	● ماه سوی آسمان آید همی (رودکی)
● نهاده به طاق اندرون تخت زر	● نشانده به هر پایه‌ای در گهر (فردوسی)

در تمامی ابیات، مختصات زبانی سبک خراسانی وجود دارد.

آوردن دو حرف اضافه برای یک متمم در بیت چهارم (به طاق اندرون) - آوردن «همی» به جای «می» در ابیات اول، دوم و سوم

● قلمرو ادبی

در این قلمرو، شیوه نویسنده در به‌کارگیری عناصر **زیبایی‌آفرین**، در سطح‌های زیر بررسی می‌شود:

الف) سطح موسیقایی: متن از دید **وزن**، **قافیه**، **رَدیف** و **آرایه‌های بدیع لفظی (واج‌آرایی، واژه‌آرایی، سجع، جناس و ...)** بررسی می‌شود.

ب) سطح بیانی: متن از دیدگاه علم بیان (**تشبیه**، **استعاره**، **مجاز و کنایه**) مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

پ) سطح بدیع معنوی: متن از دید تناسب‌های معنایی همچون **تضاد**، **ایهام**، **ایهام تناسب**، **مراعات نظیر**، **تلمیح**، **اسلوب معادله**، **حسن تعلیل** و ... مورد بررسی قرار می‌گیرد.

برای نمونه، این شعر «منوچهری دامغانی» را از نظر قلمرو ادبی بررسی می‌کنیم:

خیزید و خز آید که هنگام خزانست باد خنک از جانب خوارزم وزانست
آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزانست گویی به مثل پیرهن رنگ‌رزانست

دهقان به تعجب سر انگشت گزانست

کاندر چمن و باغ، نه گل ماند و نه گلزار

دهقان به سحرگاهان گز خانه بیاید نه هیچ بیارامد و نه هیچ بیاید
نزدیک رز آید، در رز را بگشاید تا دختر رز را چه به کارست و چه باید

گل بیند چندان و سمن بیند چندان

چندانکه به گلزار ندیده‌ست و سمن‌زار

سطح موسیقایی: ۱- واج‌آرایی (تکرار صامت‌های «خ»، «ز»، «ن» و مصوت «ا»)، ۲- جناس ناهمسان (خزان و وزان)، ۳- جناس همسان (رزان، رنگارنگ و رزان، درخت انگور) و ۴- تکرار (رز، هیچ و چندان)

سطح بیانی: تشبیه (برگ رزان مانند پیرهن رنگ‌رزان است) و کنایه (انگشت گزیدن کنایه از حیرت و تعجب)

سطح بدیع معنوی: مراعات نظیر (خزان، برگ، باد، چمن، باغ و ...)

● قلمرو فکری

هدف این قلمرو عبارت است از بررسی اثر ادبی، برای تعیین رنگ و بوی فکری و حال و هوای مفهومی مسلط بر آن، به عبارتی، اثر از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، باورها، گرایش‌ها، نوع نگرش نویسنده به جهان و سایر جنبه‌های فکری بررسی می‌شود.

مهم‌ترین جنبه‌هایی که براساس آنها به بررسی «قلمرو فکری» در آثار ادبی می‌پردازیم:

۱) عینی‌گرا یا ذهنی‌گرا بودن: در تفکر عینی، شاعر یا نویسنده به موضوعات یا پدیده‌های عینی، محسوس و ملموس توجه دارد؛ اما در تفکر ذهنی به موضوعات و پدیده‌های ذهنی و غیرملموس توجه می‌کند.

مثال ۱- ماه‌رخا هر که دید زلف تو کافر بماند / لیک هر آن کس که دید روی تو دین دار شد (عطار)
۲- قطره‌ای آوازه دریا شنید / از طمع شوریده و مغرور شد (عطار)

در مثال «۱»، تفکر عینی است، شاعر چهره معشوق را همانند ماه می‌بیند و می‌گوید به قدری چهره معشوق مانند ماه زیبا است که مردمان به جای خدا به سمت ماه (معشوق) روی می‌آورند.

در مثال «۲»، تفکر ذهنی است و شاعر علت غرور و تکبر قطره را شنیدن آوازه دریا می‌داند.

۲) شادی‌گرا یا غم‌گرا بودن: در تفکر «شادی‌گرایی» شاعر یا نویسنده به شادی، عیش و خوش‌گذرانی و سرخوشی توجه دارد و دیگران را هم به آن دعوت می‌کند؛ اما در تفکر «غم‌گرایی» همواره صحبت از غم و اندوه، رنج و پریشانی، اشک و آه و سوز و گداز است.

مثال ۱- فصل گل و طبرف جویبار و لب کشت / با یک دو سه لعبتی حورسرسشت
پیش آر قدح که باده‌نوشان صبح / آسوده ز مسجده و فارغ ز گشت (خیام)
۲- که بار غمم بر زمین دوخت پای / به ضرب اصولم برآور ز جای (حافظ)

در مثال «۱»، تفکر شادی‌گرا است و شاعر مخاطب را به شادی و خوشی و عشرت و بی‌خیالی و هم‌نشینی با معشوقان زیبارو و باده‌نوشی دعوت می‌کند. در مثال «۲»، تفکر غم‌گرا است و شاعر اسیر غم و اندوه و پریشانی است.

۳) خردگرا یا عشق‌گرا بودن: در بحث «خردگرایی»، شاعر یا نویسنده پیوسته به عقل و اندیشه پابند است و آن را کارآمد و شایسته می‌داند؛ اما در تفکر «عشق‌گرا»، از عقل و اندیشه محدود، یا فراتر نهاده است و به عالم عشق فکر می‌کند و خود را پای بند تعلقات ظاهری و مادی نمی‌بیند.

مثال ۱- خرد بهتر از هر چه ایزد بداد / ستایش خرد را به از راه داد
خرد رهنمای و خرد دلگشای / خرد دست گیرد به هر دو سرای
خرد تیره و مرد روشن روان / نباشد همی شادمان یک زمان (فردوسی)
۲- من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم / که عشق از پرده عصمت بیرون آرد زلیخا را (حافظ)
۳- هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق / ثبت است بر جریده عالم دوام ما (حافظ)
۴- عرضه کردم دو جهان بر دل کار افتاده / به جز از عشق تو باقی همه فانی دانست (حافظ)

در مثال «۱» تفکر خردگرا حاکم است. انسان بدون خرد لحظه‌ای شادمان نیست و شاعر خرد را ابزار دستگیری در دو جهان می‌داند.

در مثال‌های «۲»، «۳» و «۴»، تفکر عشق‌گرا حاکم است. در تفکر عشق‌گرا، شاعر معتقد است کسی که عاشق است، زنده جاوید است و مرگی برای او وجود ندارد.

۴) عرفان‌گرا یا طبیعت‌گرا بودن: در تفکر «عرفانی»، شاعر یا نویسنده، به جهان و پدیده‌های آن با دید عرفانی می‌نگرد و در پی شناخت عمیق‌تر از جهان و امور دنیاست؛ اما در تفکر «طبیعت‌گرا»، پدیده‌های جهان همانگونه که هستند توصیف می‌شوند.

مثال ۱- برگ درختان سبز، پیش خداوند هوش / هر ورقش دفتری است معرفت کردگار (سعدی)
۲- آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب / با صد هزار نزهت و آرایش عجیب (رودکی)

در مثال «۱»، شاعر تمام طبیعت و جلوه‌های هستی را جلوه‌ای از عظمت و وجود پروردگار می‌داند.

مثال «۲» توصیف طبیعت است و شاعر پدیدار گشتن بهار را به طور طبیعی و با رنگ و بوی ظاهری توصیف می‌کند.

۵) خوش‌بین یا بدبین بودن: در تفکر «خوش‌بینی»، شاعر یا نویسنده نسبت به جهان و امور دنیوی رضایت‌مند است؛ اما در تفکر «بدبینانه»، پیوسته یأس و ناامیدی در سخن شاعر یا نویسنده جاری است و او هیچ‌گاه از جهان و زندگی در آن خوشنود نبوده است و نگرانی و ناامیدی در تمام سخنانش آشکار است.

۳ معیارهای خوانش نثر

نکاتی را که در ارزیابی متن شعر به کار گرفته‌ایم، برای بررسی متن نثر مورد توجه قرار می‌دهیم. با این توضیح که ابتدا با آرامش، متنی را که به ما داده شده است، یک بار از نظر می‌گذرانیم. شاید بتوان این مرحله را، مرحله چشم خوانی نامید. پس از چشم خوانی گام‌های زیر را در **بررسی و تحلیل** متن نثر برمی‌داریم.

۱. خوانش متن

اکنون متن زیر را با توجه به توضیحات درس و آموخته‌های پیشین، با دقت می‌خوانیم. بهتر است از آغاز، کاغذ و قلمتان را آماده کنید تا به موقع، واژه‌ها یا جمله‌های ویژه را نشانه‌گذاری و یادداشت نمایید.

«چون بشناختم که آدمی، شریف‌تر خلاق است و قدر ایام عمر خویش نمی‌داند، در شگفت افتادم و چون نیک بنگریستم؛ دریافتم که مانع آن، راحت اندک و نیاز حقیر است که مردمان بدان، مبتلا گشته‌اند.

هر که به امور دنیایی رو آورد و از سعادت آخرت خود غفلت کند، همچون آن مرد است که از پیش آشتر مست بگریخت و به ضرورت، خویشتن در چاهی آویخت و دست در دو شاخ زد که بر بالای آن روئیده بود و باهایش بر جایی قرار گرفت. در این میان، بهتر بنگریست، هر دو پای، بر سر چهار مار بود که سر از سوراخ، بیرون گذاشته بودند. نظر بر قعر چاه افکند، ازدهایی سهمناک دید؛ دهان گشاده و افتادن او را انتظار می‌کرد. به سر چاه، التفات نمود، موشان سیاه و سپید، بیخ آن شاخ‌ها دایم می‌بریدند و او در انتای این، تدبیری می‌اندیشید و خلاص خود را طریقی می‌جست. پیش خویش، زنبورخانه‌ای و قدری شهد یافت، چیزی از آن به لب برد، از نوعی در حلاوت آن مشغول گشت که از کار خود غافل ماند و نه اندیشید که پای او بر سر چهار مار است و نتوان دانست که کدام وقت در حرکت آیند، و موشان در بریدن شاخ‌ها، جدّ بلیغ می‌نمایند و ...، چندان که شاخ بگسست و آن بیچاره حریص در دهان ازدها افتاد.

پس، من دنیا را بدان چاه بُر افتم، مانند کردم و موشان سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخ‌ها بر شب و روز، و آن چهار مار را به طبایع که عماد خلقت آدمی است و هرگاه که یکی از آن در حرکت آید، زهر قاتل باشد، و چشیدن شهد و شیرینی آن را مانند کردم به لذات این جهانی که فایده آن، اندک و رنج آن، بسیار است، و راه نجات بر آدمی، بسته می‌گرداند، و ازدها را مانند کردم به مرجعی که از آن، چاره نتواند بود؛ هر آینه بدو باید پیوست و آنگاه ندامت، سود ندارد و راه بازگشتن مهیا نیست.»

۲. شناسایی و استخراج نکات زبانی

- کاربردهای کهن واژگان که امروزه، به گونه‌ای دیگر به کار گرفته می‌شوند: **آشتر، شاخ، بنگریست و نتوان دانست**

- جمع کلمه «موش» یا نشانه «آن»

- به کارگیری کلمه «بگسست» در معنی «بریده شد، شکست» (به شکل ناگذر به کار رفته است.)

- به کارگیری «شهد» در معنی غسل (امروزه به معنای عصاره میوه‌ای است که بر اثر جوشیدن غلیظ می‌شود.)

- کاربرد واژه «قاتل» در معنی «کُشته» برای غیر انسان («قاتل» امروزه فقط برای انسان کشته شده به کار می‌رود.)

- جدانویسی نشانه منفی ساز فعل «نه»: «نه اندیشید» که امروزه می‌نویسیم: نیندیشید

- کاربرد «را» به معنی «برای» در جمله: «خلاص خود را طریقی می‌جست»

- کاربرد «زنبورخانه» به معنی «لانه زنبور»، جالب توجه است. (امروزه به لانه زنبور «کندو» می‌گوییم.)

- بیشتر جمله‌ها در این نمونه، کوتاه و قابل فهم هستند.

۳. شناسایی و استخراج نکات ادبی

- شبکه معنایی میان «شهد، شیرینی، چشیدن، زنبور و حلاوت»

- تضاد میان دو واژه «سیاه و سفید»، «پا و سر» و «سر و قعر» در ترکیب‌های «سر چاه و قعر چاه»، «زهر و شیرینی یا شهد»، «رنج و لذت»، «اندک و بسیار»

- بهره‌گیری از تمثیل برای بیان مفهوم غفلت انسان

بیشتر بدانید

تمثیل، به معنای «تشبیه کردن» و «مقلد آوردن» است و در اصطلاح ادبی، آن است که شاعر یا نویسنده برای تأیید و تأکید بر سخن خویش، حکایت، داستان یا نمونه و مثالی را بیان کند تا مفاهیم ذهنی خود را آسان‌تر به خواننده انتقال دهد.

۴. شناسایی و استخراج نکات فکری

در این حکایت، نگرش **حکمی و تعلیمی**، برجسته است. نویسنده برای بیان مقصود خود، یعنی بهره‌گیری از گذر عمر برای سعادت آن جهانی، در جایگاه اندرز، خطاب به خواننده، چند نکته را یادآور می‌شود:

- شریف بودن انسان در میان مخلوقات - گرانبها بودن لحظات عمر - هوشیاری و برهیز از خوشی‌های زودگذر

می‌بینیم که این حکایت از یک سو، به جایگاه و ارزش انسان، **نگاهی مثبت و خوش‌بینانه** دارد و از سوی دیگر نسبت به خوشی‌های مادی و لذت‌های زودگذر، **نگرش منفی** دارد.

نسبت به جایگاه انسان، نگاه خوش‌بینانه و والایی داشته باشد.

قدر لحظه لحظه عمر خویش را بداند.

هوشیاری خود را حفظ کند و آن قدر سرگرم خوشی‌های دنیایی نشود که گرفتار غفلت گردد.

سعادت و نیک‌یختی راستین، کسب خشنودی خدای بزرگ است.

بر پایه بررسی‌های انجام‌شده و تأکید درون‌مایه اثر، این نوشته را نمونه‌ای از متن تعلیمی یا اندرزی می‌توان به‌شمار آورد.

خودارزیابی (صفحه ۱۹ کتاب درسی)

۱. مفهوم «متن» را با ذکر دو مثال توضیح دهید. هر چیزی که ذهن ما را به پویایی درآورد، «متن» است. برای نمونه فیلمی که ما را به اندیشیدن وامی‌دارد یا نگاره‌ای که ذهن ما را به تکاپو می‌افکند هر دو متن هستند.

۲. یکی از آسان‌ترین و کاربردی‌ترین شیوه‌ها در بررسی و تحلیل متن چیست؟ این است که متن از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر یعنی در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری بررسی شود.

۳. با توجه به قلمرو فکری، دیدگاه خود را دربارهٔ محتوا و موضوع سروده زیر بنویسید.

آب را گل نکتم؛ / فرو دست انگار، کفتری می‌خورد آب / یا که در بیشه دور، سیرهای پرمی‌شوید / یا در آبادی، کوزه‌ای پُر می‌گردد. / آب را گل نکتم؛ / شاید این آب روان، می‌رود پای سپیداری، تا فرو شوید اندوه دلی؛ / دست درویشی شاید، نان خشکیده فرو برده در آب ...

سهراب سپهری
سراینده مردم را به پاسداری از طبیعت و پدیده‌های آفرینش ترغیب می‌کند و به ایشان گوشزد می‌کند که طبیعت زیبا از آن همگان است و هر یک از ما باید در حفظ آن بکوشیم تا بتوانیم همیشه از نعمت‌هایش برخوردار شویم.

۴. در خوانش دقیق شعر زیر، به چه نکاتی باید توجه کرد؟

نهنگی بچه خود را چه خوش گفت: به دین ما حرام آمد کرانه
به موج آویز و از ساحل بهره‌یز همه دریاست ما را آشیانه اقبال لاهوری

لحن شعر روایی - داستانی است و سخنان، با بیان یک داستان کوتاه بر آن است که خواننده را به کوشش و دوری از بسنی برانگیزد. وی جالش‌های زندگی را از نگاه می‌شمارد.
۵. سروده زیر را بخوانید و با توجه به قلمرو ادبی، «کنایه، تشبیه، تشخیص، مَثَل و مراعات نظیر» را شناسایی کنید.

هر که زمین گلشن، لبی خندان تر از گل بایدش خاطری فارغ ز عالم چون تو گل بایدش
مراعات نظیر: ۱- لب و خندان، ۲- گلشن و گل - تشخیص: خندیدن گل

خُرده‌ای از مال دنیا در بساط هر که هست جبهه واکرده‌ای پیوسته چون گل بایدش
کنایه: جبهه واکرده کنایه از خوشرویی و گشاده‌رویی - تشخیص: جبهه گل

هر که می‌خواهد که از سنجیده‌گفتاران شود بر زبان، بند گرانی از تأمل بایدش
تشبیه پنهان: تأمل مانند بند گران است - کنایه: بند گران بر زبان داشتن کنایه از خاموش بودن یا سخن‌گرفته گفتن

صبر بر جور فلک کن تا برآیی روسفید دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش
مَثَل: دانه چون در آسیا افتد تحمل بایدش - تشخیص: ۱- جور فلک، ۲- تحمل دانه - کنایه: روسفید شدن کنایه از حفظ آبرو - مراعات نظیر: دانه و آسیا

قطره آبی که دارد در نظر گوهر شدن از کنار ابر، تا دریا تنزل بایدش
مراعات نظیر: قطره، ابر، دریا و آب - تشخیص: در نظر داشتن قطره آب

۶. با توجه به متن زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

شنیده‌ام که خلیفه‌ای خوابی دید، بر آن جمله که پنداشتی که همهٔ دندان‌های او بیرون افتادی به یک‌بار، بامداد، خوابگزاری را بخواند و پرسید که: «تعبیر این خواب چیست؟»
مُعَبَّر گفت: «زندگانی امیر، دراز باد، همهٔ اقربای تو پیش از تو بمیرند، چنان که کس از تو باز نماند.»

خلیفه گفت: «این مرد را صد چوب بزنید؛ چرا بدین دردناکی سخن اندر روی من بگفت؟ چه اگر همهٔ اقربای من پیش از من بمیرند، پس آن‌گاه، من که باشم؟»
خوابگزاری دیگر بیاوردند. همین خواب با وی بگفت.

خواب‌گزار گفت: «بدین خواب که امیر گفت، دلیل کند که خداوند، دراز زندگانی‌تر از همهٔ اقربای خویش بود.»

خلیفه گفت: «تعبیر از آن بیرون نشد (سخن همان است): انا از عبارت تا عبارت، بسیار فرق است؛ این مرد را صد دینار بدهید.»
الف) دو ویژگی زبانی را استخراج کنید. ۱- کاربرد «ی» استمراری به جای «می» در پایان بعضی فعل‌ها مانند: پنداشتی و افتادی، ۲- کاربرد «اندر» به جای «در»، ۳- آوردن حرف «ب» بر سر فعل ماضی مانند: بگفت، ۴- کوتاهی و سادگی جملات

ب) چه عاملی سبب شد خلیفه، رفتاری متفاوت با دو خواب‌گزار داشته باشد؟ خواب‌گزار نخست رویداد ناگواری را به تلخی برای خلیفه بازگو کرد و خواب‌گزار دوم همان رویداد ناگوار را به صراحت نگفت و با استفاده از شیوهٔ بیان مناسب خواب را گزارش کرد؛

۷. حکایت زیر را بخوانید و آن را از دید قلمرو ادبی و فکری، بررسی کنید.

روزی شخصی پیش پهلول، بی ادبی نمود. پهلول او را ملامت کرد که چرا شرط ادب به جا نیاوردی؟

او گفت: «چه کنم؟ آب و گل مرا چنین سرشته اند.»

گفت: «آب و گل تو را نیکو سرشته اند، اما لگد کم خورده است!»

قلمرو ادبی: متن ساده است و آرایه برجسته‌ای در آن دیده نمی‌شود - لحن متن طنز است.

مجاز: آب و گل مجاز از گوهر و ذات

کنایه: لگد خوردن کنایه از تربیت و پرورش یافتن

قلمرو فکری: تربیت خوب موجب کمال است.

لطایف الطوایف

تمرین‌های امتحانی

الف) درستی یا نادرستی عبارت مربوط به هر بیت را مشخص کنید.

- | | | | |
|---|---|--------------------------------------|---|
| ۱ | چون در رهت یقین و گمانی همی‌رود | ای برتر از یقین و گمان، از که جویمت؟ | ☐ درست ☐ نادرست |
| ۲ | آوردن «همی» بر سرفعل در حوزه قلمرو زبانی بررسی می‌شود. | نایافت یافت می‌توان، از که جویمت؟ | ☐ درست ☐ نادرست |
| ۳ | تو گم نه‌ای و گمشده تو منم ولیک | دهد حالی به گارز پوستینم | ☐ درست ☐ نادرست |
| | آوردن «ن» بر سرفعل در حوزه قلمرو زبانی بررسی می‌شود. | که گر صیاد بیند هم‌چنینم | ☐ درست ☐ نادرست |
| | به کار بردن واژه‌های کهن مانند «گارز» در قلمرو ادبی بررسی می‌شود. | | |

ب) جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید.

* ۴ کتاب‌ها معمولاً متن‌های به شمار می‌آیند؛ اگر خوانده شوند، به آنها متن‌های یا خوانداری می‌گوییم.

[تهران - مدرسه خزانگان ۴ - فروردین ۱۳۹۰]

پ) گزینه درست را انتخاب کنید.

۵ مراحل تحلیل و بررسی «متن» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- ۱) شناخت متن، خوانش، بررسی لحن و شیوایی سخن، بررسی قصاحت و بلاغت کلام، استخراج نکات فکری
- ۲) خوانش، شناسایی و استخراج نکات زبانی، شناسایی و استخراج نکات ادبی، شناسایی و استخراج نکات فکری، نتیجه‌گیری و تعیین نوع
- ۶ بیت «بلبل مزده بهار بیار / خبر بد به یوم باز گذار» با کدام بیت زیر وحدت موضوعی دارد؟
 - ۱) خبری که دانی دلی بیازارد تو خاموش باش تا دیگری آرد.
 - ۲) متکلم را تا کسی عیب نگیرد سخنش صلاح نپذیرد.
- ۷ شعر زیر در چه قالبی سروده شده است؟

«به وقت گل شدم از توبه شراب خجل صلاح کار ما همه دام ره است و من زین بخت بود که یار ترنجد ز ما به خلق کریم	۱) قطعه ۲) غزل ۳) رباعی
---	-------------------------------

۸ بیت «نگارینی که من دارم اگر برقع بر اندازد / نماید زیت و رونق نگارستان مانی را» از نظر قلمرو فکری به کدام بیت نزدیک نیست؟

[تهران - مدرسه قائم - فروردین ۱۳۹۰]

- | | |
|--|---|
| ۱) ز زلفت زنده می‌دارد صبا انفاس عیسی را | ۲) دلارامی که من دارم گر از پرده برون آید |
| ۳) به یک دم زهد سی ساله به یک دم یاده بفروشم | |

ز رویت می‌کند روشن خیالت چشم موسی را
نبینی جز به میخانه از این پس اهل تقوی را
اگر در یاده اندازد رخت عکس تجلی را



[تهران - مدرسه شاهد شهزادی بدر - ری ۹۹]

همچو سرو چمن خُلد، سرابای تو خوش (ذهنی)
 حالیا فکر سبو کن که پر از یاده کنی (شادی‌گرایی)
 هر ورقش دفتری است معرفت کردگار (تعلیمی)
 ماتم‌زده را داعیهٔ سور نمانده است (غم‌گرایی)

* ۹ ویژگی فکری مطرح‌شده در مقابل کدام بیت نادرست است؟

- ۱) همچو گلبرگ تری هست وجود تو لطیف
- ۲) عاقبت خاک گل کوزه‌گران خواهی شد
- ۳) برگ درختان سبز در نظر هوشیار
- ۴) حافظ ز غم از گریه نپرداخت به خنده

ت به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱۰ مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.

- تو تیکوروش باش تا بدسگال
- کسی تیک بیند به هر دو سرای

۱۱ در ادبیات یونان، طبقه‌بندی انواع ادبی به چه صورت است؟ نام ببرید.

۱۲ در هر یک از ابیات زیر به ترتیب کدام مفاهیم «فلسفه، عشق‌گرایی و خوش‌بینی» بیان شده است؟

- الف) یوسف گم‌گشته بازآید به کنعان غم‌مخور
 ب) از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود؟
 پ) جمال کعبه چنان می‌کشاندم به نشاط

[تهران - مدرسه قائم - ری ۹۸]

«آورده‌اند که زاهدی از جهت قربان گوسپندی خرید. در راه قومی بدیدند، طمع کردند و با یکدیگر قرار دادند که او را بفرینند و گوسپند ببرند. پس یک تن از پیش درآمد و گفت: ای شیخ این سگ از کجا می‌آری؟ دیگر بدو گذشت و گفت: شیخ مگر عزم شکار دارد؟ ستم بدو پیوست و گفت: این مرد در کسوة اهل صلاح است. اقا زاهد نمی‌نماید، که زاهد را با سگ صحبت نباشد و دست و جامهٔ خویش را از او صیانت واجب دارد. از این نسق هر کس چیزی گفت: تا شکی در دل او افتاد و خود را متهم گردانید و گفت: شاید بود که فروشندهٔ این جادو بوده است و چشم‌بندی کرده: در حال گوسپند یگذاشت و برفت و آن جماعت بی‌تردد.»

۱۳ حکایت زیر را از دیدگاه زبانی و فکری تحلیل کنید.

۱۴ ویژگی‌های زبانی به‌کاررفته در متن زیر را مشخص سازید.
 «یکی از وزرا به زبردستان رحم کردی و صلاح ایشان را به خیر توسط نمودی. اتفاقاً به خطاب ملک گرفتار آمد. همگان در موجب استخلاص او سعی کردند و موکلان در معاقبتش ملاطفت نمودند و بزرگان شکر سیرت خویش به افواه بگفتند تا ملک از سر عتاب او درگذشت.»

۱۵ حکایت زیر را بخوانید و ویژگی‌های قلمرو ادبی و فکری آن را مشخص سازید.
 «ده آدمی بر سر سفره‌ای بخورند و دو سگ بر مرداری با هم به سرتیرند، حریص یا جهانی گرسنه است و قانع به نانی سیر. حکما گفته‌اند: توانگری به قناعت، به از توانگری به بضاعت.»

۱۶ قلمرو زبانی، ادبی و فکری بیت‌های زیر را تحلیل کنید.

«ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز
 این مدعیان در طلبش بی‌خبراندند

[تهران - مدرسه شاهد شهزادی بدر - قرار ۹۹]

کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
 کآن را که خیر شد خبری باز نیامد

«گفتی به روزگاران مهری نشسته گفتم
 پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند
 وین نغمهٔ محبت بعد از من و تو ماند

[تهران - مدرسه عاتق - ری ۹۸]

آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت
 دیدی که چگونه گور بهرام گرفت

«آن قصر که جمشید در او جام گرفت
 بهرام که گور می‌گرفت همه عمر

الف) ویژگی‌های فکری این دو بیت را بنویسید.

ب) ویژگی‌های زبانی موجود در بیت‌ها را پیدا کنید.

پ) شعرا را از دیدگاه ادبی بررسی کنید.

* ۱۷ بیت‌های زیر را تحلیل و کالبدشکافی کنید.

* ۱۸ با توجه به شعر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

پاسخنامه

۱) [۲] درست

۲) [۳] درست

۳) [۴] نادرست؛ استفاده از واژگان کهن مربوط به قلمرو زبانی است؛ نه

قلمرو ادبی

۴) [۱] دیداری - شنیداری

۵) [۱] گزینه «۲»

۶) [۲] گزینه «۱» مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۱» برهیز از بیان

خبر ناخوشایند

۷) [۲] گزینه «۲» در این شعر، مصراع اول بیت نخست با تمام مصراع های

زوج هم قافیه است همچنین مضمون و درون مایه آن عاشقانه است؛ پس این

شعر در قالب غزل سروده شده است.

۸) [۲] گزینه «۳» شاعر در بیت سوم می گوید زیبایی یار تجلی زیبایی الهی

است و من در برابر این زیبایی ایمانم را از دست می دهم؛ اما در بیت های اول و

دوم و صورت سؤال، معشوق با زیبایی شگفت انگیزش از دیده های دیگر جهان

بالا تر است.

۹) [۲] گزینه «۱» عینی گرایی در این بیت دیده می شود.

۱۰) [۲] دعوت به نیکوکاری و خدمت به خلق

۱۱) [۱] حماسی، غنایی، نمایی و تعلیمی

۱۲) [۲] الف) خوش بینی، ب) فلسفه، پ) عشق گرایی

۱۳) [۳] قلمرو زبانی؛ استفاده زیاد از واژه های عربی مانند: زاهد، قوم، طمع،

شیخ، عزم، صلاح، صیانت، نسق و جماعت - استفاده از برخی واژگان کهن

فارسی مانند: گوسپند - آوردن «ب» بر سر فعل ماضی ساده مانند: بدیدند،

بگذاشت - آوردن «را» ی حرف اضافه مانند: زاهد را با سنگ ...

قلمرو فکری؛ سرزنش ساده لوحی

۱۴) [۳] استفاده از واژگان عربی و جمع مکسر مانند: معاقبت، ملاطفت،

وزرا و افواه، آوردن «ی» پایان فعل معادل «می» استمراری مانند رحم کردی و

نمودی، ۳- روشنی و سادگی و روانی زبان

۱۵) [۳] قلمرو ادبی؛ مجاز؛ جهان مجاز از نعمت جهان، سجع متوازی؛

قناعت و بضاعت

قلمرو فکری؛ سرزنش حرص و طمع کاری و دعوت به قانع بودن

۱۶) [۲] قلمرو زبانی؛ «را» فک اضافه است و «شد» در بیت اول فعل

غیراسنادی است.

قلمرو ادبی؛ کنایه؛ آواز نیامدن کنایه از سکوت کردن - نماد؛ ۱- پروانه نماد

عاشق حقیقی، ۲- مرغ سحر تمنا دمدعیان عشق

قلمرو فکری؛ دو بیت به پاک بازی و بی ادعایی عاشق حقیقی و صبر بر خاموشی

تأکید دارد.

۱۷) [۲] قلمرو زبانی؛ ساده و قابل فهم بودن زبان شعر - استفاده کم از

واژگان عربی - استفاده از شیوه بلاغی در ساخت جملات

قلمرو ادبی؛ شعر در قالب غزل سروده شده است. بیت نخست این شعر در

صورت سؤال نیامده است؛ اما درون مایه و مضمون سخن بیانگر قالب شعر

است. - تشبیه؛ نغمه محبت، تشخیص؛ آواز یاد و باران

قلمرو فکری؛ تأکید بر جاودانگی عشق

۱۸) [۲] الف) ناپایداری و زوال قدرت و حکومت

ب) آوردن ضمیر «او» برای غیر انسان (قصر) - روبه؛ مخفف روپناه، به کار بردن

جملات ساده و کوتاه

پ) قلمرو ادبی؛ قالب شعر رباعی است زیرا مصراع اول با مصراع های زوج هم

قافیه است و شعر دوبیت دارد و با هجای بلند آغاز می شود، تلمیح؛ اشاره دارد

به داستان بهرام گور و ماجرای جمشید و جام جم، جناس همسان؛ گور (گورخر)

و گور (قبر)، ابهام؛ جام، ۱- پیاله شراب، ۲- جام جم (جامی که جمشید در

اختیار داشت و در آن جهان را مشاهده می کرد - مراعات نظیر؛ جمشید و جام

۱۹) [۲] الف) وجود واژگان کهن در ابیات مثل؛ گازر (رخت شوی) و

نمی یارست (نمی توانست)

ب) ۱- قالب این شعر مثنوی است، ۲- تشخیص؛ حرف زدن روپناه

۲۰) [۲] الف) ۱- قالب شعر رباعی است، ۲- تشخیص؛ یاد کردن غم از انسان

ب) دعوت به وفاداری و ارزشمند بودن غم عشق

۲۱) [۲] الف) داستان به طور کلی به بر حذر بودن و نصیحت ناپذیری از

دشمن تأکید می کند.

ب) تشبیه؛ راه به تیر مانند شده است، کنایه؛ راه دست چپ گرفتن کنایه از خلاف

میل دشمن حرکت کردن - واج آرایی؛ تکرار صامت «ن»

پاسخ سؤال های ویژه امتحان برای کنکور

۲۲) [۳]

ساده و روان بودن نثر	قلمرو زبانی
کاربرد لغات عربی مانند: سبحان الله، اجل و صاحب	
کنایه؛ ۱- پای بستن، ۲- کمان کبانی کشیدن	قلمرو ادبی
تناسب؛ دست و پا	
نمی توان از قضا و قدر الهی پنهان شد.	قلمرو فکری
باید تسلیم تقدیر بود.	

۲۳) [۲] گزینه «۳» در بیت سوم به هیچ وجه بر گذشت ایام حسرت

نمی خورد؛ بلکه حسرت و غم خوردن را کاری بیهوده می داند. سایر ابیات به

مفاهیم مقابل خود اشاره دارند.

۲۴) [۲] گزینه «۴» شاعر در گزینه های «۱»، «۲» و «۳» به رنج پذیری

عاشق اشاره دارد که پیوسته عاشق ترک کام می کند تا به معشوق و وصال او

برسد، اما مفهوم گزینه «۴» پایان طاقت و تحفل عاشق است.

سؤالات امتحان نهایی: علوم و فنون ادبی (۱)		آزمون شماره (۵)		پایه دهم دوره دوم متوسطه		ساعت شروع: ۸ صبح	
نام و نام خانوادگی:		رشته ادبیات و علوم انسانی		تعداد صفحه: ۳		مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	
تهران - مدرسه فرزندانگان (۴) - خرداد ۱۴۰۱							
ردیف	سؤالات پاسخنامه دارد.						نمره
۱	الف) تاریخ ادبیات و سبک شناسی (۲ نمره) درستی یا نادرستی هر یک از عبارت های زیر را مشخص سازید. الف) منظومه «درخت آسوریک» و «یادگار زریران» هر دو اصل بارتی دارند. ب) حماسه ملی ایران و شعر حماسی با فردوسی به پایان رسید. کدام گزینه برای جای خالی مناسب است؟ «پیش از خوانش متن نگاهی کلی به متن از آغاز تا انجام برای کشف و ضروری است. (۱) موضوع و محتوا (۲) لحن و آهنگ						۰/۵
۲	در کدام گزینه، همه آثار به دوره غزنوی و سلجوقی مربوط است؟ (۱) قابوس نامه، سیاست نامه، کشف المحجوب (۲) تاریخ بیهقی، تاریخ بلعمی، سیاست نامه						۰/۲۵
۳	کدام گزینه ویژگی قلمرو فکری سبک خراسانی نیست؟ (۱) معشوق عمدتاً زمینی است. (۲) شعر واقع گرا و توضیحات عمدتاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است. (۳) شعر با پیچیدگی های عرفانی و حکمی و اندیشه های فلسفی در آمیخته است.						۰/۲۵
۴	کدام گزینه شاعر معروف سبک خراسانی نیست؟ (۱) رودکی (۲) ناصر خسرو (۳) فردوسی (۴) کمال الدین اصفهانی						۰/۲۵
۵	زبان بارتی در چه دوره ای رایج بود؟						۰/۲۵
۶	سبک به تناسب مخاطب چند نوع است؟						۰/۵
۷	از میان نثرهای زیر، کدام یک فنی و کدام موزون است؟ الف) جان ما را صفای خود ده، و دل ما را هوای خود ده و ما را آن ده که آن به. ب) پدر موعظت و ملامت ایشان واجب دید و در اثنای آن گفت که: ای فرزندان، اهل دنیا جویان سه رتبت اند.						۰/۵
۸	دلایل کناره گیری ناصر خسرو از دربار چه بود؟						۰/۵
۹	قالب عمده شعر در سبک خراسانی چه بود؟ و کدام قالب های شعری در این دوره شکل گرفت؟						۰/۷۵
۱۰	ب) موسیقی شعر (۶ نمره) جاهای خالی را با کلمات مناسب کامل کنید. و به انتقال بهتر احساس و عاطفه کمک می کند.						۰/۵
۱۱	کدام بیت مطابق علامت هجایی «- - - - -» سروده شده است؟ (۱) عشق هایی گز پی رنگی بود عشق نبود عاقبت تنگی بود (۲) اگر هوشمندی به معنی گری که معنی بماند نه صورت به جای						۰/۲۵
۱۲	دو بیت زیر را از نظر عاطفه و حس حاکم بر فضای شعر مقایسه کنید. الف) ای نفس خرم باد صبا از بر یار آمده ای مرجبا ب) نباشد همی نیک و بد پایدار همان به که نیکی بود یادگار						۰/۵
۱۳	در مصراع زیر، تعداد هجاهای کوتاه را مشخص کنید. «خلوتم چراغان کن، ای چراغ روحانی»						۰/۵
«ادامه سؤالات در صفحه دوم»							



۱۵	برای کاربردهای گوناگون (صامت، مصوت) هر یک از واج‌های زیر نمونه‌هایی بنویسید. «و» ← صامت: «ی» ← صامت: مصوت: مصوت:	۱
۱۶	هجاهای واژه «کارآموده» را یک بار با حذف همزه و یک بار بدون حذف همزه بنویسید.	۰/۵
۱۷	معادل علامت‌های هجایی واژه بنویسید. الف) -- U - ب) U - - -	۰/۵
۱۸	بیت زیر را تقطیع هجایی کنید سپس علامت هجایی هر مصراع را مشخص سازید. «آینه ار نقش تو بنمود راست خود شکن، آینه شکن خطاست»	۱
۱۹	در هر یک از بیت‌های زیر، ردیف، قافیه و قاعده قافیه را مشخص سازید. الف) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را ب) آن قصر که با چرخ همنی زد پهلوی بر درگاه او شهنشاه نهادندی رو	۱/۲۵
ب) زیبایی‌شناسی (۶ نمره)		
۲۰	واژه‌های و در عبارت زیر، سجع متوازی دارند. «جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد.»	۰/۵
۲۱	در بیت زیر، تکرار کدام واج‌ها سبب ایجاد موسیقی شده است؟ «رشته تسبیح اگر بگست معذورم بدار دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود»	۰/۵
۲۲	در شعر زیر، آرایه تکرار (واژه‌آرایی) را بیابید. «زمانه فرقه نو می‌زند به نام شما خوشا شما که جهان می‌رود به کام شما»	۰/۵
۲۳	در هر یک از ابیات زیر، آرایه تکرار (واژه‌آرایی) و جناس تام را مشخص سازید. الف) نه من از پرده تقوا به در افتادم و بس پدرم نیز بهشت ابد از دست بهشت ب) به هست و نیست مرزبان ضمیر و خوش می‌باش که نیستی است سرانجام هر کمال که هست	۰/۵
۲۴	سجع به کار رفته در عبارت «از نفس پرور هنروری نباید و بی هنر سروری را نشاید.» بین کدام واژه‌ها ایجاد شده است و نوع آن چیست؟	۰/۵
۲۵	عبارت زیر موازنه است یا ترصیع؟ چرا؟ «در بدایت بند و چاه بود، در نهایت تخت و گاه بود.»	۰/۵
۲۶	در هر یک از بیت‌های زیر، آرایه موازنه یا ترصیع به کار رفته را مشخص سازید. الف) ما چو نایبم و نوا در ما ز توست ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست ب) بهاری کز دور خسارش، همی شمس و قمر ریزد نگاری کز دو باقوتش همی شهد و شکر ریزد پ) دانه باشی مرغکانت برچند غنچه باشی کودکانست بر کنند	۰/۷۵
۲۷	جناس‌های به کار رفته را در بیت‌های زیر بیابید و نوع هر یک را تعیین کنید. الف) نوبهار است در آن کوش که خوش دل باشی که بسی گل بدمد باز تو در گل باشی ب) ز مشرق سر گوی آفتاب طلعت تو اگر طلوع کند طالعیم همایون است پ) بوی جوی مولیان آید همی یاد یار مهربان آید همی	۰/۷۵
۲۸	در هر یک از عبارت‌های زیر سجع و نوع آن را مشخص کنید. الف) طالب علم، عزیز است و طالب مال ذلیل. ب) این دلق موسی است مرقع و آن ریش فرعون است مرشح. پ) گفתי خرده مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا در تاختش آویخته.	۱/۵
«ادامه سؤالات در صفحه سوم»		

پاسخ آزمون شماره (۸)

۱. الف (۱۵) موزون (۰/۲۵)

ب (۲۴) خاقانی - نظامی (۰/۲۵)

پ (۱۵) فنی (۰/۲۵)

ت (۲۴) ابوالفضل رشیدالدین میبدی (۰/۲۵)

۲. الف (۷) ص (۰/۲۵)

ب (۷) غ (۰/۲۵)

پ (۱۵) ص (۰/۲۵)

ت (۱۲) غ (۰/۲۵)

۳. (۱۵) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا، تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی، کوتاهی جملات، لغات کم کاربرد فارسی در مقایسه با دوره های بعد، بهره گیری کمتر از لغات عربی، افزایش کاربرد نشانه های جمع فارسی بر جمع عربی. (هر مورد ۰/۲۵)

۴. (۱۹) زیرا ویژگی های سبک عراقی نیز در آن به چشم می خورد. (۰/۵)

۵. (۲۴) جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی (۰/۲۵)

۶. (۲۶) گزینه «ب» (۰/۲۵)

۷. (۱۳) (۰/۲۵)

الف	ا	س	ت	ل	(۰/۲۵)
	-	-	-	-	
ب	آ	س	ما	نی	(۰/۲۵)
	-	U	-	-	
پ	م	حب	یت	(۰/۲۵)	
	U	-	-	-	
ت	آ	مد	(۰/۲۵)		
	-	-	-	-	

۸. (۲۷) الف مشک فشان - جوان = آن (۰/۲۵)

ب (تخت - بخت = تخت (۰/۲۵)

۹. (۱۳) گزینه «ب» (۰/۲۵)

۱۰. (۱۳) گزینه «ب» (۰/۵)

۱۱. (۲۷) از نظر آوایی واژه حسیض می تواند با لذیذ هم قافیه شود؛ اما به دلیل اینکه شکل نوشتاری آنها متفاوت است، قافیه کردن آنها درست نیست. (۱)

۱۲. (۱۱) (۰/۲۵)

م	ز	ح	ا	ن	د	ن	ر	ا	ک	ا	ن	م	ر	ع	و	ح	ش
U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
ز	با	می	ک	ن	ر	ح	ا	س	ث	ش	ش	ک	ل	ن	ش	ی	ن
U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-

۱۳. (۱۳) گزینه «ب» (۰/۲۵)

۱۴. (۲۷) گزینه «الف»؛ ذوقافین (۰/۲۵)

گزینه «ب»؛ قافیه درونی (۰/۲۵)

۱۵. (۱۱) (۰/۲۵)

الف	ع	ف	ر	ز
(۰/۲۵)	U	-	-	-
ب	ن	ا	ف	ز
(۰/۲۵)	-	-	-	-

۱۶. (۱۸) الف باشد (۰/۲۵)

ب (ب می رسد (۰/۲۵)

۱۷. الف (۱۵) واج آرای مصوت کوتاه - (۰/۵)

ب (۶) واژه آرای سر (۰/۵)

۱۸. (۲۲) متوازن - متوازی (هر مورد ۰/۲۵)

۱۹. الف (۱۴) مال / سال = سجع متوازی (۰/۵)

ب (۱۵) آرند / نیاز آرند = سجع مطرف (۰/۵)

۲۰. الف (۲۲) ترصیع (۰/۲۵)

ب (۲۲) موازنه (۰/۲۵)

زیرا در مورد «الف» سجع های متقابل متوازی هستند اما در مورد «ب» متوازن هستند. (۰/۵)

۲۱. (۱۴) گزینه «ب» (۰/۵)

۲۲. الف (۱۹) سلامت / ملامت = جناس اختلافی (۰/۵)

ب (۱۹) کنار / کنار = جناس تام، پدر / پسر، جناس اختلافی (۰/۵)

ب (۱۶) گُل / گُل = جناس حرکتی (۰/۵)

ت (۱۶) آیین / آیین = جناس افزایشی (۰/۵)

۲۳. (۲۱) الف وجود واژگان کهن، مانند گازر و نمی یارست / کمی واژگان غیر فارسی / کاربرد شبکه معنایی، مانند حبله، دستان، تزویر، دام و دل، زبان، گوش و دندان / ترکیب سازی، مانند روبه بازی، حبله سازی / کاربردهای تاریخی دستور؛ مرده کرد، نمی یارست ... کم انگاشت، به کار آید همی / زبان شعر ساده و جمله ها کوتاه است مانند؛ به دام افتاد رویاهی سحرگاه، به روبه بازی اندیشید در راه و ... / بیشتر واژگان شعر، ساختمان ساده دارند؛ مانند

دام، روباه، صیاد، گازر، گوش، دل، زبان و ... (هر مورد ۰/۵)

ب (از قرار گرفتن قافیه در پایان هر دو مصراع یک بیت، می فهمیم که قالب شعر مثنوی است. / «ترک غم گرفتن»، «دم نردن» و «جهان بر چشم او شد تیره» کنایه است. / «بجست از دام، همچون از کمان، تیر» تشبیه و مراعات نظیر دارد. (هر مورد ۰/۵)

درس یکم: مبانی تحلیل متن

۱+ متن و انواع آن (شعر و نثر)

- هر چیزی که ذهن ما را به یویایی درآورد، «متن» نامیده می‌شود.
- متن‌ها انواع گوناگون دارند؛ مانند: متن دیداری و شنیداری، حتی آنچه که می‌بوییم، مزه‌ای که می‌چشیم و آن چیزی که لمس می‌کنیم نیز متن به شمار می‌آید.
- در کتاب درسی آنچه که متن خوانده می‌شود، نظم یا نثر است.
- مراحل بررسی متن:

- ۱- خوانش، ۲- شناسایی و استخراج نکات زبانی، ۳- شناسایی و استخراج نکات ادبی، ۴- شناسایی و استخراج نکات فکری، ۵- نتیجه‌گیری و تعیین نوع

۲ و ۳ معیارهای خوانش شعر و نثر

- نخستین گام مؤثر در رویارویی با متن «خوانش» است.
- لازم است یک اثر، یک باره و بی‌گسست خوانده شود، تا درک ارتباط طولی و مفهوم محتوایی دچار اختلال نشود.
- در هنگام خوانش متن رعایت علائم نگارشی، به درک عمیق متن کمک می‌کند.
- متن‌ها از سه دیدگاه بررسی می‌شوند: الف) قلمرو زبانی، ب) قلمرو ادبی، پ) قلمرو فکری

- قلمرو زبانی در دو سطح بررسی می‌شود:

- الف) سطح واژگانی: واژه‌ها از نظر فارسی یا غیرفارسی بودن، روابط معنایی کلمات از قبیل، ترادف، تضاد، تضمن، تناسب، نوع گزینش و همچنین درست‌نویسی واژه‌ها بررسی شود.

- ب) سطح دستوری یا نحوی: متن از دید ترکیبات و قواعد دستوری، کاربردهای تاریخی و کوتاهی و بلندی جمله‌ها بررسی می‌شود.

- قلمرو ادبی در سه سطح بررسی می‌شود:

- الف) سطح موسیقایی: متن از دید وزن، قافیه، ردیف و آرایه‌های بدیع لفظی (واج‌آرایی، واژه‌آرایی، سجع، جناس و ...) بررسی می‌شود.
- ب) سطح بیانی: متن از دیدگاه علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) نقد و بررسی می‌شود.

- پ) سطح بدیع معنوی: متن از دید تناسب‌های معنایی همچون تضاد، ایهام، ایهام تناسب، مراعات نظیر، تلمیح، اسلوب معادله، حسن تعلیل و ... بررسی می‌شود.

- قلمرو فکری: این قلمرو عبارت است از بررسی اثر ادبی برای تعیین رنگ و بوی فکری و حال و هوای مفهومی مسلط بر آن، به عبارتی اثر از نظر ویژگی‌های فکری، روحیات، باورها، گرایش‌ها و نوع نگرش نویسنده به جهان و سایر جنبه‌های فکری بررسی می‌شود.

درس دوم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در

شعر فارسی

۴+ ارکان شعر فارسی

- شعر و موسیقی هر دو برای برانگیختن حس و حال عاطفی به کار می‌رود.
- اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، عاطفه است.
- شاعر برای انتقال عاطفه خود به دیگران از «زبان» کمک می‌گیرد.
- وزن و آهنگ در انتقال عاطفه، تأثیرگذار هستند.
- درباره تأثیر وزن در شعر، می‌توان گفت پس از عاطفه مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، «وزن» است.
- وزن در شعر، جنبه تزیینی ندارد؛ بلکه جزء طبیعت شعر است و برای نشان دادن عواطف، نمی‌توان از آن چشم پوشید.
- توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.
- تشخیص لحن شعر، خواندن را دلنشین و درک محتوا را آسان‌تر می‌کند.
- وزن، ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود و وسیله ادراک وزن، حواس ما است.

درس سوم: واج‌آرایی، واژه‌آرایی

- علم بدیع، علمی است که درباره موسیقی کلام سخن می‌گوید و به دو بخش بدیع لفظی و بدیع معنایی تقسیم می‌شود.
- به عواملی که موسیقی لفظی را پدید می‌آورند، بدیع لفظی می‌گویند.

۵+ واج‌آرایی

- واج‌آرایی، تکرار یک واج (صامت یا مصوت) در سخن است؛ به گونه‌ای که بر موسیقی و تأثیر آن بیفزاید.

مثال ~~~~~ خیزید و خیز آید که هنگام خزان است

باد خنک از جانب خوارزم وزان است

- در واج‌آرایی، تکرار صامت‌ها از مصوت‌ها محسوس‌تر است.
- تکرار آگاهانه یک واج در غنای موسیقی لفظ مؤثر بوده و به گوش‌نوازی شعر کمک می‌کند.

۶+ واژه‌آرایی

- واژه‌آرایی، آوردن یک یا چند واژه بیش از یک بار در ابیات و عبارات است.

مثال ~~~~~ پس هستی من ز هستی اوست

تا هستم و هست دارمش دوست

- آنچه در تکرار اهمیت دارد، جنبه موسیقایی و آوایی سخن است؛ نه شکل نوشتاری واژگان.

- وقتی کلمه‌ای تکرار می‌شود، قاعداً واج‌های آن هم تکرار شده است؛ با وجود این صرفاً «واژه‌آرایی» داریم نه «واج‌آرایی».

درس چهارم: تاریخ ادبیات پیش از اسلام

و قرن‌های اولیه هجری

۷+ زبان فارسی و دسته‌بندی آن

- زبان ایرانیان پیش از اسلام که ریشه و مادر زبان امروز ایران است، «پارسی» یا «فارسی» نامیده می‌شد.
- کتاب «اوستا» را موبدان برای اجرای مراسم دینی، از حفظ می‌خواندند؛ تا این‌که سرانجام در دوره «ساسانی»، آن را به نگارش درآوردند.
- **فارسی باستان**

در دوره هخامنشیان رایج بود و آثار برجای مانده زبان فارسی باستان، فرمان‌ها و نامه‌های شاهان هخامنشی است که به خط میخی نوشته شده است.

• **فارسی میانه** (حدود ۳۰۰ ق.م تا حدود ۷۰۰ م)

- زبان‌های ایرانی میانه، به دو گروه زبان‌های «پارتی» و «پهلوی» تقسیم می‌شوند.
- زبان پارتی، در دوره اشکانیان رایج بود و تا اوایل دوره ساسانی نیز آثاری به این زبان، تألیف می‌شده است.
- زبان پهلوی، زبان رسمی دوران ساسانی بود و از آنجا که این زبان اساساً به ناحیه پارس تعلق داشته است و در مرحله‌ای میان فارسی باستان و فارسی نو (دری) قرار دارد، آن را «فارسی میانه» نامیده‌اند.
- آثاری که به زبان پهلوی تألیف شده، بیشتر آثار دینی زردشتی است؛ مانند «یادگار زریران».
- آثار ادبی پهلوی به سبب اهمیتی که سنت شفاهی در ایران پیش از اسلام داشته، غالباً به کتابت در نیامده است.
- منظومه‌های «درخت اسوریک» و «یادگار زریران» هر دو اصل «پارتی» دارند.
- **فارسی نو**

پس از ورود اسلام به ایران، زبان فارسی، تحوّل تازه‌ای را پشت سر گذاشت و با بهره‌گیری از الفبای خط عربی به مرحله جدیدی گام نهاد که بدان «فارسی نو» یا «فارسی دری» گفته می‌شود.

- فارسی «دری» نخستین صورت زبان ادبی فارسی نو در برابر تفوذ عناصر زبان عربی بود.

۸ وضع زبان فارسی در سه قرن اول هجری

- در آغاز قرن سوم، دولت نیمه‌مستقل طاهری و پس از آن، دولت مستقل صفاری بر سر کار آمدند.
- یعقوب لیث صفاری برای ایجاد حکومت و دولت مستقل ایرانی و برانداختن یا تضعیف حکومت بغداد دست به کار شد تا عظمت و اقتدار ایران را به آن بازگرداند. وی با زبان عربی آشنایی نداشت و نیز اجازه نداد تا این زبان در دستگاه حکومت او به کار رود.

۹ وضع زبان فارسی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم

- قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم، مهم‌ترین دوره تمدن اسلامی ایران بود و نظم و نثر فارسی در این دوره شکوفا شد.
- در زمان سامانیان، بخارا عمده‌ترین مرکز فرهنگی به شمار می‌آمد.

- بعضی از امیران سامانی، خود، صاحب فضل و ادب بودند. آنها شاعران فارسی‌گوی را تشویق می‌کردند و مترجمان را به ترجمه کتاب‌های معتبری به نثر فارسی برمی‌انگیختند.

- درخشش این دوره با شکست سامانیان از ترکان آل افراسیاب، به تیرگی گرایید.
- قرن چهارم هجری، دوران غلبه، رواج، حفظ و ارائه ادب و رسوم ملی بود.
- این دوره طلایی همراه با شکوفایی روح ایرانی بود که با دانشمندان بزرگ ایرانی چون محمدبن زکریای رازی آغاز شد و با شاعری چون فردوسی ادامه یافت.
- قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم دوره ترقی در همه زمینه‌های علمی بود.
- وجود سخنورانی چون رودکی، فردوسی، عنصری و بسیاری از شاعران فارسی‌گوی دیگر، بیانگر اهمیت این دوره است.

۱۰ ویژگی شعر این دوره (قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم)

- یکی از ویژگی‌های شعر فارسی در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم، سادگی فکر و روانی کلام آن است.
- حماسه ملی ایران و شعر حماسی با فردوسی به اوج رسید.
- شعرغنایی با دو شاعر مشهور، رودکی و شهید بلخی، قوت و استحکام یافت.
- شعر حکمی و اندرزی (تعلیمی) هم در قرن چهارم به وجود آمد ولی در دوره سلجوقیان به بختگی رسید.
- آوردن موعظه و نصیحت در شعر فارسی از آغاز قرن چهارم معمول گردید.
- کسی که قصیده تمام و کمال در موضوع اندرز و حکمت سرود، «کسایی مروزی» بود؛ سپس «ناصر خسرو» شیوه او را ادامه داد.

۱۱ ویژگی نثر این دوره (قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم)

- در عهد سامانی، نثر نیز مانند شعر پارسی رواج یافت و کتاب‌هایی با موضوعات گوناگون به زبان دری پدید آمد.
- نثر این دوره ساده و روان است و بیشتر به موضوعات حماسی، ملی و تاریخی توجه دارد و هنوز آوردن اصطلاحات علمی و اشعار و امثال در آن رایج نشده است.
- رایج‌ترین انواع شعر در این دوره، «حماسی»، «مدحی» و «غنایی» بود.

۱۲ آثار نثر قرن چهارم و پنجم

- **شاهنامه ابومنصوری**
- کتاب «شاهنامه ابومنصوری» حدود سال ۳۴۶ قمری به دست عده‌ای از دانشوران خراسان نوشته شد. موضوع این کتاب، تاریخ گذشته ایران است.
- **ترجمه تفسیر طبری**
- اصل تفسیر طبری را «محمدبن جریر طبری» به زبان عربی نوشته است؛ اما جمعی از دانشمندان آن زمان، این کتاب را به فارسی برگرداندند.

تاریخ بلعمری

- ابوعلی بلعمری به دستور منصور بن نوح سامانی، مأموریت یافت که تاریخ مفصلی را که محمدبن جریر طبری آن را تحت عنوان «تاریخ الرسل والملوک» به زبان عربی نوشته بود به فارسی برگرداند.